



گاهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی بوی سب

شماره ۱۶ / آبان ۹۷ / قیمت: ۱۰۰۰ تومان / تیراژ: ۱۵۰

## ز نربت شهر بوی سب می آید



دانشگاه چگونه به حسامان می رسد؟ ۳

از جمله جاهایی که باید دست در جیب مبارک کنید تا مبادا عنکبوت لانه بزند همین سلف دانشگاه است. به خصوص زمانی که عجله دارید.....

غریب آشنا ۷

خودت هم خوب می دانی هیچوقت به عشق در یک لحظه اعتقاد نداشتم تا لحظه ای که اسم رضا را شنیدم، نامت زیباترین پارادوکس دنیا را برای دلم داشت.....

کر بلا منتظر ماست ۳

تفکر عامه مردم از موعد ظهور این است که باید تمام دنیا را ابر سیاه ظلم بگیرد، این به معنای واقعی گوشه نشینی و بی توجهی به امر ظهور است.....

بانوی عقیده ۵

جریان شیعی پس از مجاهدت چندین هزار ساله پیامبران به ویژه مجاهدت و شهادت خاندان نبوت اسلام نیاز به تثبیت دارد و این تثبیت با خون اباعبدالله.....

## از محرم تا صفر

تاریخ را که می خوانیم با خودمان می گوئیم: «اتفاقی است که افتاده! شرایط اینطور رقم خورده و...» اما ذره ای حواسمان نیست که تاریخ، هویت هر ملت، مسبب اتفاقاتش و چه خوب و چه بد، عملکرد انسان است. از رحلت پیامبر(ص) تا شهادت معصوم ترین و بزرگوارترین افراد بشر؛ یعنی امامان معصوم(ع) همه بر گردن ماست. ما به تاریخ، به مثابه ی داستانی می نگریم قبل از خواب؛ هرچند که آن می تواند آینه ی عبرت قرار گیرد. به تعبیر امیرالمؤمنین علی(ع): «عبرت ها چه زیاد اند و عبرت گیرنده ها اندک!» ما که قصد نداریم تا کربلایی دیگر رقم زنیم و مکانی به غریبانی بقیع ایجاد کنیم؛ چرا درس نمی گیریم!

به راستی که تاریخ عجیب است! اما عجیب تر از آن چیست که آن را زنده نگه داشته است؟ عجیب تر از آن عشق است؛ عشقی که مردم را به هیاهو و دنبال روی از حقیقت وامیدارد. همین عشق است که باعث می شود انسان کوله بارش را جمع کند و پاره‌ها اجتماع پرشکوهی را رقم بزند؛ فریاد «لبیک یا حسین» گوش عالم را کر کند و سیلی باشد بر دهان ظلم؛ که نگذارد تاریخ را دوباره تکرار کند و آن وقت اربعین ها باز می آیند و همنا می شوند با گنبد سبز پیامبر(ص)، قبرستان بقیع و گنبد طلایی هشتمین اختر تابناک امامت. عشق می آید که نگذارد تاریخ، از محرم تا صفر را تکرار کند!

## شناخته شده

صاحب امتیاز: هیئت دانشجویی محبان الحسین(ع) -

دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

مدیر مسئول: محمد باهری

سردبیر: فاطمه زارعی

طراح: محمد باهری

ویراستار: فاطمه شکیبی \_ نفیسه امینی

شماره: ۱۶ / آبان ۹۷

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

تیراژ: ۱۵۰

با سپاس فراوان از تمام کسانی که ما را در تهیه این نشریه یاری رساندند.

# برخورد با دوست و دشمن در اسلام



کسانی که در کار دین با شما ننجیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست می دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می دارد که در کار دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده اند.

از سیاق آیات و ویژگی هایی که در این دو آیه آمده روشن می شود که منظور از کسانی که با مسلمانان ننجیده و آنان را از دیارشان بیرون نکرده اند، کافرانی هستند که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان بر ترک جنگ، بیرون نراندن مسلمانان و کمک نکردن دشمن بر ضرر مسلمانان عهد و پیمان بسته بودند، همان گونه که بیشتر مفسران مراد از این افراد را کافران معاهد دانسته اند

۳. امانت داری و پای بندی به عهد و پیمان: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر نوع عهد، پیمان و قرارداد با مسلمانان یا غیر مسلمانان، به ضرر یا نفع فرد باشد واجب می داند و تنها موردی که پای بندی به عهد و پیمان را ضروری نمی داند موردی است که طرف مقابل پیمان شکنی کرده باشد.

انسان در رابطه با دوست خود و حتی دشمنش باید یکسری از اصول اخلاقی را رعایت کند:

۱. رعایت عدالت: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به اجرای عدالت در همه امور مأمور بود. خداوند متعال در مورد داوری به عدالت در میان کافران به آن حضرت می فرماید: «فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده: ۴۲)؛ اگر کافران نزد تو آمدند میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید و اگر داوری می کنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می دارد.

۲. نیکی کردن به دشمنان غیر حربی: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مَائِدَةُ: ۸)؛ خدا شما را از

## دانشگاه چگونه به حسامان میرسد؟

بر همگان واضح و مبرهن است، زمانی که نتایج را نگاه میکنید و مبینید دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان قبول شدید، ابتدا سوی امیدتان کور میشود. اما بعد به خودتان دلداری میدهید که خب چنان دانشگاه بدی هم نیست. اما وقتی وارد دانشگاه میشوید، متوجه میشوید که یک علوم پزشکی رفسنجان است و جیب خالی دانشجوی! و وقتی این جیب یک دانشجو فاجعه محسوب میشود که آگاه باشید این هزینه هایی که از جیب شما میروند، در هیچ دانشگاه دیگری از جیب دانشجوی مملکت نمیروند!

از جمله جاهایی که باید دست در جیب مبارک کنید تا مبادا عنکبوت لانه بزند همین سلف دانشگاه است. به خصوص زمانی که عجله دارید یا قرار است غذای دوست گرامیتان را بریزید در ظرف یکبار مصرف و و دوستان را به واسطه لقب های مناسبی که اهدا میکنید، پشیمان میکنید که چرا آن زمان میل غذایش نیامده است تا با سر به سلف برود و غذای دوستداشتنی(!) را میل کند.

از دیگر کاربردهایی که جیب شما در دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان دارد، برای دیرکرد تأییدیه انتخاب واحد است. اگر تأییدیه انتخاب واحدها را دیر دریافت کنید از شما مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان میگیرند. شاید بگویید این برای تنبیه است، اما چه بگویم زمانی که برای دادن این مبلغ نه شماره حساب میدهند که پول واریز کنید و نه حداقل فیشی به دستتان میدهند که بگویید پول واریز کرده اید! شما خبر ندارید اما از ما بهتران به گوش ما رسانده اند که دانشگاه های دیگر (به عنوان نمونه دانشگاه علوم پزشکی بم و یزد) اصلا تأییدیه انتخاب واحد ندارند چه برسد به اینکه دیرکرد داشته باشند!

از دیگر عجایب دانشگاه ما تصویب قانونی یک بار مصرف در سال های نچندان دور تحت عنوان پرداخت شهریه برای برداشتن واحد افتاده در ترم های دیگر توسط حضرات هیئت امناء بود. تصمیمی که فقط در یک سال اجرا شد و سپس لغو شد.

می شناسم دانشجویانی را که هنوز در ذهنشان این سوال وجود دارد که چه کسی پاسخگوی پول هایی که به عنوان کمک به دانشگاه در آن سال از ما گرفته شد خواهد بود؟

خلاصه اینکه اگر ما حواسمان به جیبمان نباشد، دانشگاه به خوبی حواش جمع است و تصمیم میگیرد که چگونه و از چه زوایایی برای خودمان (!) هزینه کنیم.

## کربلا منتظر ماست...



کننده برای طاعت خداست، نیاز به یار هایت که روشنگری کنند و بصیرت افزایی برای مردم داشته باشند. برای ظهور همه چیز فراهم شده فقط برای حضرت، عباس(س) و زینب(س) معدودند. باید بدانیم قدم به قدم از نجف تا کربلا پیاده رفتن یعنی مقدمات حکومت علی(ع) را فراهم کردن تا دیگر سقیفه ای برای مهدی(عج) شکل نگیرد، تا دیگر ابوموسی اشعری ها در احبابش نباشند. سقیفه شکل گرفت چون زمینه فراهم نبود، زمینه ی پذیرش منجی؛ و امروز ما هستیم که باید این زمینه را فراهم کنیم، همین ما که به شیعیه بودمان مفتخریم. از صفر که می شود شروع کرد. خواهر و برادر مسلمانم تا قدم به میدان نگذاریم و علم حق را به دست نگیریم، زمینه ظهور فراهم نیست. چرا؟ چون ظلم ظاهر می شود و ممکن است در لباس حق ظاهر شود، آنوقت نفاق به میان می آید. آنوقت است که می گویند علی(ع) و معاویه؛ و جانشین پیامبر را با مردی هم تراز می کنند که خداوند او و خاندانش را شجره ملعونه نامیده است.

پیاده روی اربعین علم حق را به دست گرفتن است تا بگوئیم نصرتی لکم معده؛ شما را یاری می کنیم، حتی با سختی های راه، حتی با طعنه ها و تفرقه افکنی ها.

می توان این روزها صدای سایش کفش های پیرمردی را شنید که در جاده ی عشق به شوق دیدار قدم برمی دارد، و در هر قدم عاشقانه محبوبش را صدا می زند، انگار خستگی راه و تاولهای پا رمقش را برای رفتن چندبرابر می کند، چشم های عاشقش فریاد می زند که چقدر برای دیدار معشوق بی تاب است. این سفر، سفر آزمودگیست، حتی با وجود سختی راه و تاولهای پا باید بسوی معشوق دوید، معشوقی به رنگ موعود. کسی که فقط افراد پای کار می خواهد، افرادی که سردی زمستان و گرمی تابستان را بهانه نکنند و مردانه پای حق بمانند، ایستادن پای حق، مبارزه را شروع می کند.

تفکر عامه مردم از موعد ظهور این است که باید تمام دنیا را ابر سیاه ظلم بگیرد، این به معنای واقعی گوشه نشینی و بی توجهی به امر ظهور است و بیانگر آن است که مقدمات ظهور باید از جبهه ی باطل شروع شود؛ این افکار باطلیست، یعنی تنها گذاشتن ولی زمان. انقلاب و نهضت ما جوانانی این چنین می خواهد که فقط نظاره گر ظلم باشند و مدام دم از ایستادگی و پشتیبانی می زنند و فقط برای ظهور، دعا می کنند، دعای بدون عمل. یقیناً حضرت به تنهایی نمی توانند کارها را پیش ببرند و نیاز به دعوت

## مصاحبه

مالک بیک/ سید ابراهیم موسوی

دوباره اربعین نزدیک است و قرار سالانه عاشقانِ راهِ حضرت اباعبدالله الحسین(ع) برای شرکت در بزرگترین راهپیمایی جهان فرا می رسد و قافله دل های شیدایی اباعبدالله به راه افتادند تا قدم در جاده افلاکی نجف - کربلا بگذارند.

گویی امسال با توجه به شرایط ویژه اقتصادی و تحریم ها، رهروان پرشورتر و بی قرار تر از هر سال دیگر با سپردن دل به جاده، مسیر قدوم عمه سادات را به لطف اشک، تبرک می کنند تا به کربلا یار رسند آنها که قدم قدم تا حرم می روند از شوق زیارت بی قرارند و آنها که جامانده اند گرفتار حسرت جانسوز دیدار.

سفر کربلا آن هم با پای پیاده، حکایت قرن ها عاشقیست...

به بهانه موسم پیاده روی اربعین بر آن شدیم تا در این شماره از نشریه بوی سیب به سراغ مسافری برویم که با وجود سفر کربلا و پایان تحصیل هنوز تشنه زیارت رهبر حق امام حسین(ع) است و امسال هم مثل سال های قبل می خواهد به جمع مسافران و زائران کربلا بپیوندد.

آقای سید محمد حسین موسوی نسب فارغ التحصیل رشته علوم آزمایشگاهی.

## سلام آسید

## چی شد آقا امسال هم به فکر پیاده روی افتادی؟ برنامه قبلی داشتی؟

بسم الله الرحمن الرحيم  
با عرض سلام و احترام

حاج آقا پناهیمان در یکی از سخنرانی هاشون میفرمایند که: زمانی که ظهور اتفاق می افتد امام زمان(عج) میفرمایند: [ان جدی الحسین قتل عطشانا]; همانا جد من امام حسین(ع) تشنه لب کشته شد. خب وقتی امام زمان(عج) این صحبت رو میفرمایند یعنی دارن به واسطه امام حسین(ع) خودشون رو به جهانیان معرفی میکنند و این زیارت اربعین، مظهر و نماد افرادیست که دوستار این مکتب اند و خودشون رو با وجود همه مشکلات به این زیارت می رسوند.

بنده هم از خدا خواستم ان شاءالله زیارت رو امسال نصیب کنه تا بتونیم بریم و چند روزی در یک فضا و مکانی قرار بگیریم که شرایطمون یکم از این بعد دنیایی و گناه دور بشه... ان شاءالله بتونیم بریم و نائب الزیاره همه دوستداران باشیم.

## امسال هزینه ها خیلی بالاست مشکلی نداشتی؟

در باره هزینه ها من یک مقدار پس انداز داشتم، یک مقدار هم خانواده کمک کردند منتها هزینه ها امسال واقعا بالا رفته، همین آماده کردن هزینه خودش یک معذلی شده اگر بخوام دقیق تر بگم قبلا خیلی به صرفه تر بود چون خود مردم عراق از زمان و وقت و کار خودشون می زنن برای مردم و زائرین غذا و مکتب مهیا می کنند خیلی ها تو خودشون به مردم جا میدن و هرکس به حد و وسع خودش ارادتشو به اربابمون نشون میده ولی کرایه ماشین مقوله اصلیه که متاسفانه با پایین اومدن ارزش پول ملیمون هزینه ها بالا رفته بخوام مثال بزنم هزینه ای که ۸۰ هزار تومان بوده الان رسیده به مرز ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومن.

## از شیرینی ها و سختی های پیاده روی سال قبل برامون بگو خاطره ای داری؟

اون زمانی که میری ممکنه شلوغی و طولانی بودن راه شمارو خسته کنه، بیمار بشی، دست و پاهات درد بگیره شاید در مسیر گم بشی و تا یک ماه بعد از سفر هنوز این ها رو به یاد داشته باشی

میده یا جای خوابی که مهیا می کنه به نظر من کم نمی گذارند تا آنجا که در توان دارن زحمت می کشند. ان شاءالله اجرشون با امام حسین(ع).  
**اگر سال دیگه ان شاءالله زنده باشی باز میای؟ هدفت از این اومدن ها چیه؟**

ما ان شاءالله اگر عمری باشه و امام حسین(ع) بطلبه بنده دوست دارم که برم اما اینکه لیاقت رفتن رو تا اون موقع خواهم داشت یا نه نمیدونم واقعا، اما نیت قلبیم اینکه برم به زیارتشون.

در مورد هدفم واقعیت توی این راهپیمایی توی این فضا آدم یکبار که بره دیگه دلش می خواد هر سال بره یک گوشه ای از حکومت مهدوی رو ببینه که مردم به هم احسان دارن، مادیات کمترین ارزش رو بینشون داره، همه به عشق مولایی خودشون اومدن و دوست دارن برسن به اون جایگاه. بنده به نظرم این شرایط رو اگر آدم بره و تجربش کنه باز دلش می خواد بره و ان شاءالله این رفتن ها این جمع شدن ها همه یک دعای مخلصانه داشته باشن که خدا یک نظری کند و منجی رو بفرسته، اربعین سال دیگه با حضور امام زمان(عج) باشه.

## حرفی داری به اونهایی که جاموندن بزنی؟

وقتی کسانی مثل من دارن میرن یعنی امام حسین(ع) کریمه که منو میطلبه، من نوعی که لیاقت رفتن به کربلا رو ندارم، من نوعی که این همه کاراشتابه انجام میدم در اون جایگاه نیستم که برم. این کرامت و عظمت اون خانواده و اربابه که منو میطلبه پس هر بزرگواری که واقعا دوست داره بره به زیارت اگر از صمیم قلب بخواد، بعد از هر نمازش مثلاً به سلام به امام حسین(ع) بده و بگه آقا ما رو هم بطلب به نظر من شک نکنین که امام حسین(ع) دست رد به سینه کسی نمی زنه و اون رو برا سال بعد میطلبه و اگر هم کسی طلبیده نشده حتما حکمتی بوده. در این که اون خانواده کریمه و لطف داره هیچ شکی نیست و مطمئن باشید شمایی که به انجام مستحباتت مقیدی و واجباتت رو خوب انجام دادی و نتونستی بری حکمتی بوده شاید مثلاً سالهای دیگه بتونی مرتب بری. اگر بخوام خودمونی بگم باید دعا کرد تا این توفیق نسیمون بشه.

## آسید ممنون که برامون وقت گذاشتی

سفر به سلامت التماس دعا.

منتها همینجور که می گذره تمام این سختی هارو فراموش می کنی و میگی ارباب مارو بطلب که دوباره اربعین کربلا باشیم این شیرینی که شما می رسی به زیارت، شیرینی که با مردم آشنا میشی؛ مردمی مهمان نواز و مردمانی از کشورهای مختلف رو می بینی باعث شوق مجدد این سفره. در مورد خاطره یادم میاد در یکی از مکتب ها من در کنار یک پیرمرد بودم پرسیدم شما کی هستی کجایی هستی؟

رو کرد به من گفت: تونسسی هستم در تونس شیعه ها قلیل اند و سنی ها کثیر(او عربی صحبت میکرد و من دست و پا شکسته باهاش حرف می زدم) تنها عضو شیعه خانواده من هستم(فکر کنم گفت سنی وهابی هستند) بعد گفت همسر هم شیعه هست. در مورد رهبر و مرجع ازش سوال کردم، گفت: امام خامنه ای(خودش این لفظ امام خامنه ای رو به کاربرد) همچنین در بین حرفامون به این جمله امام خمینی(ره) اشاره کرد: ما انقلابمون رو صادر می کنیم. وبعد از انقلاب ایران بود که ما تونستیم با این اسلام شیعی آشنا بشیم.



## میگن اونجا خیلی هوامون رو دارن راسته؟

تجربه ثابت کرده همجا آدم خوب و بد هست، فرضاً ممکن هست تعدادی کمی باشن برای خودشون جای خوب رو بردارن و برای اون زائری که میاد بهترین رو در اختیار قرار ندن اما خیلی هاشون با کمترین وسع مالی صرف هزینه کردن برای امام حسین(ع) برای این مکتب، هرچی که دارن رو بر سر دست می گیرند، برای زائرین به صورت رایگان در اختیار قرار می دهند حالا اون کسی که کمترین توان رو داره با خرمایی که میاره یا اون کسی که توان بالایی داره با غذاهایی که

# ابوعلی یزید

## بانوی عقيله

نقش حضرت زینب(س) در واقعه عاشورا

در وهله دوم به سربازان جنگ سخت یعنی شهدای انقلاب، دفاع مقدس و مدافعان حرم می‌رسیم؛ کسانی که از جان و زندگی خودشان گذشتند تا نهال انقلاب را با خون خود آبیاری کنند و برای تحقق و تثبیت انقلاب در تمامی عرصه‌های نظامی، سازندگی و... مجاهدت‌ها کردند؛ به ویژه آنان که همسر و فرزند خود را گذاشتند و به سوی بانوی دمشق رفتند تا مبادا جسارتی به حرم این بانو شود و پروانه وار دور حرم گشتند تا پیام انقلاب را در منطقه نهادینه کنند.

اما گروه سوم، یعنی زینبان انقلاب خمینی، ما افسران جوان جنگ نرم هستیم که باید عمارگونه به تبیین و تفسیر پیام انقلاب در بین نسل جوان بپردازیم و جوشش خون مدافعان حرم را در دل جوانان محقق کنیم.

آری ما زینبانِ مدافعان زینبیم؛ که حسین (ع) وار سر خود را فدای اسلام انقلابی کردند تا ما زینب‌وار مقابل دو اسلام

آمریکایی و اسلام متحجر بایستیم. تازیانه‌هایی که آن روز بر پیکر عمه جان امام زمان (عج) خورد همان زخم زبان‌هایی است که

امروز باید در کف جامعه تحمل کنیم. رنج‌هایی بی‌بی زینب (ع) در این چهل روز دقیقا همان رنج‌هایی است که ما مکلف به تحمل آنیم تا نطفه‌های شوم تفکر غربگرایانه را در دل جامعه نابود کنیم.

آنچنان که رهبرم فرمود: تا جان در بدن دارم نمی‌گذارم که تفکر غرب‌گرایی در این کشور حاکم شود.

حیدری بی‌بی زینب (س) می‌شود. چه آنگاه که ایشان بی‌اعتنا به شخص ابن زیاد به مجلس آن ملعون وارد می‌شود؛ سپس آن خطبه غرّا را می‌خواند و شهر کوفه را به آشفتگی می‌کشد و در آستانه شورش علیه بنی امیه قرار می‌دهد، (ولی به فرمان امام سجاد(ع) مأمور به سکوت در حین خطبه می‌شوند، چون هدف اصلی بی‌آبرو کردن یزید در شام بود.) و چه آن وقت که این بانوی جلیله به صورت اسیر و با بدترین اهانت‌ها به مجلس یزید وارد می‌شود و با خطبه‌ای کوبنده، یزید مسرور از پیروزی بی‌آبرو می‌کند و اضمحلال

جریان اموی و ایضا جریان خلافت را کلید می‌زند. خلاصه کلام آن است که اگر امروز فرهنگ عاشورایی تنها فرهنگی است که به صورت قوی و محکم در مقابل فرهنگ مضمحل غرب مدرن ایستاده است و سنگر به سنگر مواضع سرمایه داری را فتح می‌کند، فقط و فقط بخاطر آن است که بانو زینب (س) نگذاشت که خون امام زمانش خشک شود و با خطبه‌ها و استقامت خون نگذاشت (س) نگذاشت خون امام زمانش خشک شود و با خطبه‌ها و استقامت های خود جوشش این خون را تا قیامت تضمین نمود.

اما اگر بخواهیم تئوری انقلاب اسلامی ایران را هم در این پازل قرار دهیم، اول باید به نقش امامان انقلاب، افرادی همچون شهید مطهری، شهید بهشتی و... به عنوان گروه اول اشاره کرد.

هر جریان فکری، تاریخی و اجتماعی از سه دسته افراد تشکیل شده است:

- ۱- کسانی که خطوط فکری و تئوری این جریان را تولید و تبیین می‌کنند.
- ۲- کسانی که برای تثبیت و اعتلای این جریان تلاش و مجاهدت می‌کنند.
- ۳- کسانی که حاصل مجاهدت و تلاش‌های دو گروه قبلی را در متن جامعه و تاریخ، ماندگار و جاودانه می‌کنند.

در جریان شیعی، گروه اول شامل تمامی پیامبران تاریخ است. گروه دوم را ائمه ما و یاران ایشان تشکیل می‌دهند، که در این بین

امام حسین (ع) و قیام ایشان نقشی بشدت موثر و تثبیتی را در تاریخ این جریان و حیطه مربوط به گروه دوم ایفا می‌کند. (در جریان غرب مدرن گروه اول را استراتژیست، گروه دوم را مهندس و گروه سوم را دیپلمات می‌نامند.)

اما حال نوبت گروه سوم است که در این بین حماسه‌های حضرت زینب (س) در فاصله بین عاشورا و اربعین را می‌توان نقطه‌ی عطف تاریخ جریان شیعی نامید.

جریان شیعی پس از مجاهدت چندین هزار ساله پیامبران به ویژه مجاهدت و شهادت خاندان نبوت اسلام نیاز به تثبیت دارد و این تثبیت با خون اباعبدالله در روز عاشورا آغاز می‌شود، اما این خون ریخته شده می‌بایستی جوشش داشته باشد و هیچ چیز جز گرمای وجود حضرت زینب (س) و سخنان ایشان این جوشش را تضمین نمی‌کند.

در حالی که جریان اموی سرخوش از پیروزی خود بود و به گمان خود که جریان اهل بیت را به کلی نابود کرده است، به ناگهان شاهد فریاد‌های

**جریان شیعی پس از مجاهدت چندین هزار ساله پیامبران به ویژه مجاهدت و شهادت خاندان نبوت اسلام نیاز به تثبیت دارد و این تثبیت با خون اباعبدالله در روز عاشورا آغاز می‌شود، اما این خون ریخته شده می‌بایستی جوشش داشته باشد و هیچ چیز جز گرمای وجود و سخن حضرت زینب (س) این جوشش را تضمین نمی‌کند.**

**اگر امروز فرهنگ عاشورایی تنها فرهنگی است که به صورت قوی در مقابل فرهنگ مضمحل غرب مدرن ایستاده است و سنگر به سنگر مواضع سرمایه داری را فتح می‌کند، فقط و فقط بخاطر آن است که بانو زینب (س) نگذاشت که خون امام زمانش خشک شود و با خطبه‌ها و استقامت‌ها خود**

## آفتاب در حجاب



«آفتاب در حجاب» اثری ماندگار و درخشان به قلم سید مهدی شجاعی است، که روایتی ساده از زندگی حضرت زینب(س) از دوران کودکی تا عاشورا، اسارت و وفات ایشان را ارائه می کند.

نویسنده در این کتاب حضرت زینب(س) را مخاطب قرار داده و مانند روایتگری که لحظه

لحظه با ایشان همراه بوده حرف های دل ایشان را به قلم در آورده است. روایتی که از حالت تاریخی خارج شده و به صورت رمانی عاشقانه درآمده است.

شجاعی صدیقه الصغری را اینگونه معرفی می کند: «زینب یعنی شناسای بندهای دل حسین، یعنی زیستگ در دهلیزهای قلب حسین، عبور کردن از رگهای حسین و تپیدن با نبض حسین. زینب یعنی حسین در آئینه تأیید. زینب یعنی چشیدن خارپای حسین با چشم. زینب یعنی کشیدن بار پشت حسین...» در جای جای داستان اینگونه به عاشقانه ای که بین حسین و زینب وجود دارد می پردازد.

داستان این کتاب از کابوس پریشان حضرت زینب در کودکی شروع می شود: «خواب دیدم، خواب پریشان دیدم. دیدم که طوفان به پا شده است، طوفانی که دنیا را تیره و تار کرده است. طوفانی که مرا و همه چیز را به این سو و آن سو پرت می کند، طوفانی که چشم به بنیان هستی دارد. ناگهان در آن وانفسا چشم من به درختی کهنسال افتاد و دم به سویس پرکشید...» و در انتها با تعبیر همین خواب تمام می شود به گونه ای که در آخر ماجرا حضرت زینب کنار قبر پیامبر(ص) شروع به درد دل می کند: «تعبیر شد خواب کودکی های من پیامبر(ص)! و من اکنون با یک دنیا مصیبت و غربت تنها مانده ام».

این کتاب شامل ۱۸ قسمت و با به تعبیر نویسنده ۱۸ پرتو می باشد. پرتو هایی عاشقانه و جانسوز از زندگی حضرت زینب، صبر و استقامت ایشان.

متن این کتاب همزمان با اینکه احساسات خواننده را برمی انگیزد او را به فکر فرومی برد. با اینکه چاپ نخست این کتاب به سال ۷۷ بر می گردد تا کنون بالغ بر ۲۸ سری چاپ داشته است اما برای افرادی که این کتاب را مطالعه نموده اند تازگی دارد. مطالعه ای این کتاب به تمامی دوست داران آن حضرت و عاشقان کربلا توصیه می شود.

## مدینه، دوستت دارم

به روی دوش پیغمبر  
مدینه دوستت دارم  
حسن در اوج بیماری  
چو ماند بی هیچ سرداری  
گشودی بازوانت را چو مادر فاطمه، زهرا  
نگاهش سوی فرزندش  
و گفتش باز آ سویم  
که اینجا نیست آزاری

مدینه دوستت دارم  
چو میدانم به دامانت  
میان چند تخته سنگ  
حسن شهزاده ی زهرا  
در این تاریکی مطلق  
بتابد عالمی را رنگ  
بتابد عالمی را رنگ...

مدینه دوستت دارم  
پیغمبر، مادر و فرزند  
سه گوهر خفته در یک بند  
ببوسم خاک آنجا را  
چو کام تلخ باشد چند  
مدینه دوستت دارم  
نگاهم کن...

منم مشتاق دیدارم  
که شاید مجتبی(ع) گوید  
به فردای قیامت، من  
غلامم را خریدارم  
مدینه دوستت دارم  
بقیع منزلگه مادر  
پس از آن داستان در  
حسن چون کودکی آنجا،

عملکرد هیئت  
محبان الحسین  
در ماه محرم

ایام سوگواری اباعبدالله الحسین(ع) ذکر میگردد:  
>> امید است که مقبول سید و سالار شهیدان  
و حضرت ولی عصر(عج) قرار گیرد<<:  
- برگزاری مراسم عزاداری در تاسوعا و  
عاشورای حسینی در ظهر و شب، همراه با  
پذیرایی ناهار و شام  
- برگزاری مراسم قرائت زیارت عاشورا از دهه  
ی دوم محرم تا آخر دهه  
- برگزاری جلسات و عزاداری هیئت محبان  
الحسین(ع) با همکاری کانون موعود و شهدا،  
هرشب از ساعت هشت تا ده و نیم در  
نازخانه ی دانشکده ی دندانپزشکی  
پُخت شله زرد نذری و توزیع بین دانشجویان  
- برگزاری غرفه های هیئت برای دانشجویان  
جدیدالورود  
- برپایی ایستگاه های صلواتی  
- فضا سازی دانشکده ها و خوابگاهها

ایام سوگواری ماه محرم، یکی از بهترین  
فرصت هایی است که زنگار قلب هایمان  
را با اشک بر ماتم امام حسین(ع) و ظلم  
هایی که بر خاندان پیامبر رفت، شست و  
شو دهیم که گویی این قطرات اشک، ما  
را به فطرت انسانیمان نزدیک تر و مأنوس  
تر می کند.  
فعالیت های مذهبی در دانشگاه ها در سایه  
سار حکومت اسلامی، هر ساله پررنگ تر از  
گذشته می شود و ما شاهد حضور بیشتر  
دانشجویان در مراسم های مذهبی هستیم.  
دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان نیز در این  
مسیر از قافله ی دنیای اسلام عقب نمانده  
و سعی می کند تا جایی که امکان دارد،  
بهترین و بهترین امکانات را در اختیار  
دانشجویان قرار دهد.  
در اینجا، خلاصه ای از فعالیت های دانشگاه، در

## معنویت درمانی

باید توجه داشت:

- برای ما روشن است که نماز قلب انسان را سبک‌بال می‌کند، پس، از دعوت دیگران به این عمل نورانی خجالت نکشیم.

- شاید در روزهای اول دعوت، همکاران و یا حتی بیماران با تعجب و گاه نگاه نیش‌دار پاسخ ما را بدهند. اما تکرار دعوت همراه با آرامش، دوستی، عاطفه و بیان جذاب در درازمدت تأثیر خوبی را بر مخاطب می‌گذارد.

- گاهی ذهن درگیر جملاتی مانند «من خودم توی نماز خودم ماندم، دعوت به نماز کار ازما بهتران است، نماز دیگران به من ربطی ندارد و...» می‌شود. به این جملات توجه نکنید، زیرا دعوت دیگران به نماز، در انسان اراده‌ای به وجود می‌آورد تا بتواند در راه برطرف کردن کاستی‌های ایمانی و روحی تلاش کند.

در شماره بعدی چند پیشنهاد برای معنویت درمانی در نظر خواهیم گرفت.



به طور قطع پاداش شهید را خواهد داشت. ابومحمد با خود فکر کرد که امام به چه مناسبتی این سخن را فرمود؟! پس با امام خداحافظی کرد و رفت. ناگهان احساس کرد پاهایش درد می‌کند. شب پاها ورم کرد و تا صبح از درد شدید به خود می‌پیچید. او حدود ده ماه در بستر بیماری بود. گفتگوی امام رضا (ع) با ابومحمد ترقی نمونه‌ای از معنویت درمانی می‌تواند باشد. رکوع و سجود، تسبیح پروردگار است، قنوت گفتگوی بنده با خداست و سوره حمد و توحید، آیات قرآن هستند. نماز دارویی ترکیبی شامل ذکر، دعا و قرآن است. این اکسیر شفابخش، مهم‌ترین عامل جهت ارتقای سلامت معنوی بیمار است. چرا که تنها یک عمل است که بر هر بالغ، واجب بوده و فقر، بیماری، و جنگ و... نمیتواند آن را از انسان دور کنند. آن عمل «نماز» است.

بیمار همین که لباس سبز، آبی یا صورتی بیمارستان را می‌پوشد و آنژیوکت را در رگ خود حس می‌کند، غم عالم بر دلش می‌نشیند؛ رنج بیماری، ناله هم‌تختی، دوری از کار و زندگی و... دست در دست هم می‌دهند تا زمینه‌های افسردگی، ناآرامی و پریشان‌حالی را در او به وجود آورد.

اضطراب، استرس و افسردگی اولین میکروب‌هایی هستند که جان بیمار را تهدید می‌کنند. تحقیقات نشان داده است که بیماران دارای سلامت معنوی بالا از اضطراب کمتری برخوردارند، پس معنویت درمانی می‌تواند سرلوحه‌ی اقدامات درمانی قرار گیرد، زیرا عامل مؤثری در درمان استرس و اضطراب است.

ابومحمد ترقی به دیدار امام رضا (ع) رفت. بعد از سلام و احوال‌پرسی، امام (ع) فرمود: ابومحمد! هر بنده مؤمنی که خدا او را به بلایی گرفتار نمود و او صبر کرد،



## غریب آشنا



زائرانت بچرخانم.

به دنبال چه می‌گردم؟ خودم هم نمی‌دانم، شاید به دنبال زائری که لایق نگاه توست.

آقای من مرا شناختی حالا؟

خودت هم خوب می‌دانی هیچوقت به عشق در یک لحظه اعتقاد نداشتم تا لحظه‌ای که اسم رضا را شنیدم، نامت زیباترین پارادوکس دنیا را برای دلم داشت. حال که از شما دورم، قلم را برمی‌دارم و بر دل سرد کاغذ می‌نویسم: >> آقا جان خودت می‌دانی حرف‌های یواشکی دلم را نیاز به شرح نیست.<<



ولی طبق معمول من بازهم جامانده‌ام. از تو چه پنهان کوله‌ام را هم آماده کرده بودم ولی مهر نطلبیدن ذوقم را کور که چه بگویم، لال کرد.

حال من در افاق تاریک ذهنم به صفحه روشن حریمت نگاه میکنم. زائرانی که قفل دستانشان بر پنجره فولادت را به رخم می‌کشند ولی آوای آمن یجیب شان عجیب دلم را آرام میکند. خودم هم نمیدانم دوریم از تو از نوع فیزیک و مسافت است یا روح و قلب! همین مرا می‌ترساند؛ دردناک تراز درد همین است. من همانم که ظاهرش استوار ولی درونش زلزله‌ای آمده که آوار برداریش کارهیچکس نیست. از همان تکان‌هایی که دل آدم دیگر آن دل سابق نمیشود؛ ویران تر از ویران!

من هنوزم که هنوزاست هروقت از بغض‌های فرومانده درگلویم، لبخندهای تلخ مصنوعیم، ترس‌های کودکانه‌ی همیشگی‌ام، دردهای بادوامی که قصد بی‌دوامی ندارند و آرزوهای کامل که هیچ وقت نرسیدند خسته‌میشوم؛ فقط دلم گوشه‌ی دنج حرمت را می‌خواهد؛ چیزی شبیه کوچ از افاق دو در سه‌ی تاریک ذهنم به گوشه‌ای وسیع از حریمت.

دلم می‌خواهد کز کنم، زانوهایم را محکم در بغل بگیرم؛ محکم تراز همیشه و تپله‌ی مشکی‌گریزان چشمانم را در میان تک تک

خبری در راه است! خبraz حرکت کاروانی به سوی حریمت.

صدایی می‌آید! صدای سایش پاهایی برهنه یا کفش‌هایی بردل بی‌رحم آسفالت‌ها...

پیرزنی قدخمیده، کودکی لال، زنی سرطانی و مردی شرمنده‌ی اولاد؛ همه به سوی تو می‌آیند. عجیب است! توغریبی دراینجا ولی انگار تنها آشنای غریب دل‌آنانی هستی که با پاهای تاول زده و نفس‌هایی حبس شده به سویت می‌آیند. دل‌هایشان امیدواراست و چشمانشان منتظر! ولی ازدستانشان چه بگویم؟ خالی است آقا، خالی! برای گدایی می‌آیند، این بار باافتخار.

دراین حوالی، مبارزه با تکدی‌گری وجود ندارد که بهراسند. اینجا تمام شأن‌های بزرگ اجتماع هم مقابل گدایان زانو می‌زنند.

## سوال و جواب

## فهرست

## احکام وضو



۲	سرمقاله
۲	برخورد با دوست و دشمن در اسلام
۳	کربلا منتظر ماست
۳	دانشگاه چگونه به حسامان می رسد؟
۴	مصاحبه
۵	بانوی عقيله
۶	معرفی کتاب
۶	شعر(مدینه دوستت دارم)
۶	عملکرد هیئت محبان الحسین در ماه محرم
۷	معنویت درمانی
۷	غریب آشنا
۸	سوال و جواب

## راه ارتباطی



@mohebban\_alhosein\_rafsanjan



@mohebban\_rums



@mohebban\_alhosein\_rafsanjan

@bentol\_Zahra313 ارتباط با ما

## مساله

یکی از شرایط صحیح بودن وضو، ضرر نداشتن استفاده از آب است. کسی که می‌ترسد اگر وضو بگیرد، مریض شود یا بیماری او شدیدتر شود و یا بهبودی‌اش به تأخیر بیفتد، نباید وضو بگیرد، بلکه بر او واجب است تیمم کند (و هر مدتی هم طول بکشد اشکال ندارد).

احتمال ضرر هم بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به‌جا باشد (و برایش ترس پیش بیاورد)، باید تیمم کند.  
۲. اگر رساندن آب به صورت یا دست‌ها به مقدار کم (که وضو با آن صحیح باشد) ضرر ندارد، اما بیش از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار کم وضو بگیرد.

## سوال

شخصی که به سینوزیت مبتلاست و آب سرد برایش ضرر دارد، برای وضو گرفتن چه وظیفه‌ای دارد؟

## جواب

در صورتی که آب گرم برای او ضرر ندارد و تهیه آن ممکن است، باید با آب گرم وضو بگیرد.

مساله  
اگر فردی پس از آنکه - به علت ترس از ضرر - با تیمم نماز خواند، فهمید که آب برایش ضرر نداشته، نمازش صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.

## یاد آوری

۱. در استعمال آب برای وضو، لازم نیست انسان یقین به ضرر داشته باشد، بلکه اگر

نشدم لایق دیدار... بهم ریخته ام

تک بیت هایی برای جاماندگان

دل‌تنگ حرم باشی و ارباب نخواهد

سخت است که عاشق شوی و یار نخواهد

جا مانده دلی به زیر پایت زائر

آهسته قدم بزنی، خدا می‌داند

رحمی‌ما به حال زیارت نرفته‌ها

چون ابر در فراق تو خون‌گریه می‌کنند

اربعین، پای پیاده، رفت از دستم که رفت

کار دستم داد آخر قلب ناپاکم، حسین (ع)!

پابره‌نه می‌روم سمتی که بغض بشکنند

کربلایت سهم ما بدها نشد این اربعین